



درباره شهید تندگویان صحبت کنید. در زمان حیات دنیوی شهید، آیا هیچ وقت از نزدیک با ایشان برخوردی داشته‌اید؟

آقای تندگویان، یکی از وزرای شهید رجایی بود که در سال ۱۳۵۹، زمان اوج مخالفت علیه آقای رجایی از سوی منافقین در دولت فعالیت می‌کرد که مصادف بود با دوران بنی‌صدر در ایران. در این زمان مخالفت‌های شش‌پدی با آقای رجایی صورت می‌گرفت و این به‌خاطر نوع بینش و نگرش افرادی بود که در نظام مشغول خدمت بودند. یکی از این آقایان، شهید تندگویان بود که سمت حساس وزارت نفت به ایشان محول شد و این زمانی بود که رژیم بعثی عراق به ایران حمله کرد. نکته جالب این است که ما مهندس تندگویان را فقط در روز گرفتن رأی اعتماد در مجلس دیدیم و بعدها باخبر شدیم که ایشان اسیر شده‌اند.

شما در مجلس با چه عنوانی حضور می‌یافتید؟

من به عنوان عکاس روزنامه جمهوری اسلامی به مجلس رفت و آمد داشتم. در آن‌جا چند مرتبه ایشان را دیدم و این مسأله برای ما در روزنامه جمهوری اسلامی، (عکاسی از شخصیت‌های دولت آقای رجایی) بسیار مهم بود و عکس‌های زیادی از آن‌ها می‌گرفتم. از سوسی دیگر درگیری با منافقین شدت گرفت، سپس جنگ تحمیلی شروع شد که در آن زمان شهید تندگویان کمتر از سی سال سن داشت. در آبان‌ماه خرداد شش‌پدی که یکی از وزرا اسیر شده است و بعد از مدتی هم فهمیدیم که این شخص مهندس تندگویان بود.

ایشان در نظام جمهوری اسلامی بالاترین مقام دولتی بودند که به اسارت گرفته شدند. لطفاً بگویید که این اتفاق به چه صورت افتاد؟

آقای مهندس به منطقه جنگی آمده بودند. دشمن در خاک ایران پیشروی و جاده خرم‌شهر را تصرف کرده و از کارون گذشته و جاده آبادان-اهواز را هم قطع کرده بود. ایشان به همراه دوستانشان در نزدیکی دارخوین نزدیک جاده آبادان-اهواز به اسارت درآمده بودند. زمانی که جنگ به پایان رسید خبرهایی شنیدیم که زنده‌بودن شهید تندگویان را تأیید می‌کرد. این خبر توسط اسرایی که به ایران برگشته بودند به ما رسید.

همه شواهد بر این بود که شهید تندگویان زنده است و در بازداشتگاه‌های عراقی زندانی است؟

درست است. بعد از ماجرای حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ بود که ما وارد بغداد شدیم تا از ورود نظامی‌های آمریکایی تصویربرداری کنیم، یکی از دوستان من به نام آقای سیدیا سر هشترودی که نویسنده دفاع مقدس هستند نیز در

آقای تندگویان، یکی از وزرای شهید رجایی بود که در سال ۱۳۵۹، زمان اوج مخالفت علیه آقای رجایی از سوی منافقین در دولت فعالیت می‌کرد که مصادف بود با دوران بنی‌صدر در ایران. در این زمان مخالفت‌های شش‌پدی با آقای رجایی صورت می‌گرفت.

آن‌جا به جمع‌آوری اسناد جنگ ایران و عراق مشغول بودند که بیشتر درباره این موضوع فعالیت می‌کرد. ما در بین این مدارک عکسی از شهید تندگویان دیدیم و تصمیم گرفتیم که این عکس‌ها را جمع‌آوری کنیم. در این اثنا عکسی از شهید تندگویان پیدا کردیم که در بین عراقی‌ها گرفتار بودند، البته قیافه ایشان چندان تغییری نکرده بود. در ذهن ما این موضوع شدت گرفت که دنبال عکس‌های جنگ ایران و عراق بگردیم. در حقیقت، آقای هشترودی دنبال اسناد بود و من دنبال عکس‌های ایران و عراق بودم. شخصی که این عکس را گرفته بود مرده بود و دنبال عکس‌های دیگری بودیم.

در حین این جست‌وجوها یکی دیگر از این عکاسان، به نام آقای سیدعبد بظاط را پیدا کردیم. البته آقای بظاط در روزنامه الزمان فعالیت می‌کرد. این زمانی بود که آمریکایی‌ها در بغداد حضور نظامی داشتند و به آن‌جا مسلط شده بودند. مادر شهر هر چقدر پرس‌وجو کردیم ایشان را پیدا نکردیم تا روزی که قرار شد به ایران برگردیم. سه ساعت قبل از حرکت در بصره بودیم. آقای بظاط که ما را چندین بار در عراق دیده بود گفت آقای بظاط در بصره است و چون با ایشان نسبت فامیلی داشت این موضوع را می‌دانست. این شخص به ما توضیح داد که آقای بظاط مدتی بعد از جنگ کار خبرنگاری انجام داده است. آقای بظاط را در رستورانی دیدیم و با هم بستنی خوردیم. آن‌جا بود که گفت: از دوستان صمیمی «احمد زیدان» است و اطلاعاتش را از طریق زیدان به دست می‌آورد. احمد زیدان، فاتح خرم‌شهر بود که پس از تسخیر خرم‌شهر مدال گرفته و به درجه سرلشکری ارتقا پیدا کرده بود. این عکاس شخص مهمی بود و با سران رژیم عراق رابطه داشت. زیدان هم آدم کوچکی نبود و به‌طور مسلم با سران بالای حکومت ارتباط داشت. من پیشنهاد کردم که با هم نمایشگاه برگزار کنیم، اما آقای هشترودی مایل بود که عکس‌های سید بظاط را بخرد. بعد تصمیم گرفت به سمت

محل می‌گفت برویم. البته زمانی که حرکت کردیم سه نفر بودیم. آقای هشترودی دنبال بسته‌بندی وسایل بود. زمانی که به محل مورد نظر رسیدیم، بظاط بالا رفت و من پنج دقیقه پایین ایستادم و بعد به طبقه بالا رفتم. یک خانه معمولی بود که در آن‌جا جعبه‌های مملو از عکس را دیدیم. من در حین آن‌که بظاط مشغول جمع‌آوری بود عکس می‌گرفتم و او خوشش آمد و دائماً فیگور می‌گرفت. از این عکاس پرسیدم این عکس‌ها را از اسرایی که به بصره آورده بودند گرفته است؟ نکته جالب این بود که در عکس، بعضی‌ها چشم و دست بسته بودند. او گفت: «یک عکس دارم که خیلی مهم است، این عکس وزیر شما است.» من فهمیدم که منظور از شهید تندگویان است. آقای هشترودی برای خریدن عکس‌ها چانه می‌زد. من پیشنهاد دادم که یک نمایشگاه بگذاریم و عکس‌ها را در آن‌جا بفروشیم، البته در نهایت آقای هشترودی عکس‌ها را خرید. سید بظاط حتی وقتی پیشنهاد دادیم که پانصد دلار هم بدهیم و او به ایران بیاید موافقت نکرد. در میان عکس‌هایی که آقای هشترودی خرید، عکس شهید تندگویان هم بود.

نخستین کسی که حدود تاریخ شهادت مهندس تندگویان را تأیید کرد، همین آقای بظاط بود؟

آقای هشترودی از بظاط پرسید که ایشان تا چه سالی زنده بودند؟ او گفت: تا حوالی سال ۱۳۷۰ ایشان زنده بود و آقای بظاط نخستین کسی بود که از شهید تندگویان عکس گرفته بود و اطلاع داشت که تا چه زمانی زنده بود. بظاط چندین بار هم با احمد زیدان صحبت کرده و اطلاعاتی را به دست آورده بود.

از چگونگی شهادت مهندس تندگویان اطلاع داشت؟

می‌گفت بر اثر شکنجه سنگین، شهید شد و این اطلاعات را از طریق احمد زیدان که از دوستان صمیمی‌اش بود به دست آورده و از طریق رده‌های بسالای مردان عراق فهمیده بود که مهندس تندگویان تا نزدیک سال ۱۳۷۰ زنده بود. در واقع ایشان به‌خاطر شدت جراحت‌های وارده شهید شده بود. این اتفاق زمانی افتاد که چهار سال بعد از آن تمام اسرای ایرانی آزاد شده بودند. بظاط و سرلشکر زیدان اطلاعات زیادی داشتند، چون شهید تندگویان در منطقه‌ای که زیر نظر فرماندهی زیدان بود به اسارت گرفته شد. هم‌اکنون هم نمی‌دانم که آقای بظاط زنده است یا خیر، اما تلفن ایشان را دارم و می‌دانم که عضو کلیدی جامعه در بصره است. بعد از فروپاشی رژیم صدام ارتباط خوبی با دولت داشت. آدم بسیار خوش‌نامی بود. اطلاعات دیگری ندارم، اما می‌دانم درباره شهید تندگویان اطلاعات احمد زیدان از دیگران بیشتر بود. ■

راز سر به مهر شهادت توسط یک عکاس عراقی ...

■ گفت‌وگو با یاران با سعید صادقی، عکاس و فیلمبردار دفاع مقدس

• درآمد

نخستین کسی که موفق به دیدن عکس اسارت شهید تندگویان شده بود، عکاسی است که سابقه حضوری مستمر در جبهه‌های دفاع مقدس را در پرونده کاری خود ثبت و ضبط کرده است. شنیدن این که عکس نخستین وزیر به اسارت گرفته شده جمهوری اسلامی توسط نیروهای عراقی توسط عکاسی دیده شده که او نیز این عکس را از یک همتای خود در عراق خریده است حال و هوایی دیگر و متفاوت با سایر خاطره‌های ثبت و ضبط شده از همراهان و هم‌زمان شهید تندگویان دارد.

سعید صادقی، عکاس و فیلمبردار دفاع مقدس و در حال حاضر مشغول مستندسازی است. وی در سال ۲۰۰۳ طی دیداری از عراق موفق شد عکس‌هایی از شهید تندگویان جمع کند و به این ترتیب اطلاعات دقیقی از شهادت ایشان به دست آورد. به بهانه این که وی اطلاعات متفاوتی از شهید تندگویان ارائه داده است با صادقی گفت‌وگویی انجام داده‌ایم که در ادامه از نظر تان می‌گذرد.

